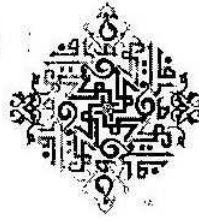


۱۳۱۸۶۶۳
س.س.



سپهر حکمت

مجموعه اشعار و سروده س. عزت منش

آواکلار

سرشناسه	عزت منش، سینا، ۱۳۷۰-
عنوان و نام پدید آور	سپهر حکمت: مجموعه مثنویات / سروده س. عزت منش.
مشخصات نشر	تهران، آوای کلار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۳۴۹ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۲۲۶-۱۱۲-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
زبان	شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ س ۲/۴ PIR۸۳۵۴
رده بندی دیویی	۸۱۶/۶۲
شماره کتابخانه ملی	۳۷۳۳۰۳۹

آوای کلار

س. عزت منش

سپهر حکمت

ناشر	آوای کلار
طراح جلد	مهندس شهرآئینی
صفحه آرایی و تنظیم	مهندس اعتصامی
نوبت چاپ	نخست ۱۳۹۵
مجری چاپ	کانون آوای کلار
شمارگان	۱۲۰۰
بها	۲۲۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای ناشر و مؤلف محفوظ است.

تهران- انتشارات آوای کلار- ص.پ: ۶۵۵-۱۹۵۸۵

تلفکس: ۲۲۵۸۹۲۳۴

www.avayeklar.ir

فهرست مطالب

۱۱.....	مقدمه
۱۳.....	پیشگفتار
دفتر اول: چشم یقین	
۱۷.....	به نام دیده‌بخش اهل بینش
۲۰.....	گفتار در مسئله شرف و افت خورشید
۲۱.....	حکایت
۲۱.....	نشستن فرانسیس فدیسی بر تخت شیطان
۲۳.....	گفتار در فضیلت هنر
۲۳.....	هنر ایصال طالب است به مطلوب
۲۵.....	تفسیر داستان خسرو و شیرین
۲۶.....	تفکیک هنر قدسی از هنر مذهبی عصر رنسانس
۲۸.....	گفتار در امانت زبان
۳۰.....	فضیلت زبان پارسی
۳۲.....	گفتار در نکوهش نژادپرستی
۳۲.....	حکایت: پرسش از یحیی (ع)
۳۵.....	سخن جابر بن حیان
۳۶.....	حکایت: معیار برتری
۳۹.....	کعبه‌ی دل
۴۲.....	گفتار در نکوهش ریاکاری
۴۳.....	زن
۴۵.....	حکایت: سلطان عشق
۴۶.....	حکایت: عاشق صادق
۴۸.....	حکایت: عاشق اصفهانی
۵۰.....	زودیکتر از رگ گردن
۵۰.....	حکایت
۵۲.....	چهار حریم الهی
۵۶.....	خراسان‌نامه

۵۹.....	ذکر جوانگزی، حکیم چین.....
۶۲.....	حکایت: رویای جوانگزی.....
۶۵.....	حکایت: درخت بی‌سود.....
۶۸.....	دانش حقیقی.....
۶۹.....	حجاب‌های علوم.....
۷۱.....	حکایت: اجتهاد یا تقلید؟.....
۷۴.....	غفلت از خطرات.....
۷۴.....	حکایت: شبان و فرزندانش.....
۷۸.....	عذر گفتن: پانزاد نخست.....
۸۰.....	عذر گفتن: شانزاد دوم.....
۸۲.....	عذر گفتن: شانزاد سوم.....
۸۳.....	حکایت: رومنو و د عطار.....
۸۶.....	عذر گفتن: شانزاد چهارم.....
۸۷.....	عقل و وحی.....
۸۸.....	حکایت: پرسش از سقراط حکیم.....
۹۱.....	حکایت: دانش پرسود.....
۹۴.....	رسائل معنوی.....
۹۴.....	مناجات.....
۹۷.....	حکایت: اتصال خط‌های موازی.....
۹۹.....	سخن کیخسرو با ایرانیان در آغاز پادشاهی.....
۱۰۰.....	بیان آنکه مالکیت انسان مجازی است.....
۱۰۱.....	نشانه‌های بی‌نهایت.....

دفتر دوم: دریای معانی

۱۰۵.....	معنی هستی.....
۱۰۵.....	شرح مقدمه منظومه مرحوم حاج ملاهادی سبزواری.....
۱۰۸.....	مناجات رایحه غدویه.....
۱۱۰.....	نیافتن یا نبودن.....
۱۱۰.....	نیافتن دلیل بر نبودن نیست.....
۱۱۲.....	دوستی با اولیای خدا.....
۱۱۲.....	حکایت: ابراهیم ادهم و فرشته.....
۱۱۵.....	زیست رفیق.....
۱۱۵.....	حکایت.....

۱۱۷	شعر و معنا
۱۱۹	انقلاب دل‌ها
۱۲۲	نظم و معنا
۱۲۳	زندگی در مرگ
۱۲۳	حکایت: خاقان و دختر دهقان
۱۲۸	شاهراه معرفت
۱۳۰	دانش راستین
۱۳۰	حکایت: امام محمد غزالی و راهزن
۱۳۸	از جزو جوئی تا کُل جوئی
۱۳۸	حکایت: عشق پس جوان به دختر همسایه
۱۴۴	سرچشمه‌ی فساد
۱۴۴	حکایت
۱۴۷	مصیبت شکم
۱۴۷	سخن غزالی در احیاء علوم الدین
۱۵۰	نیک‌بینی و نیک‌اندیشی
۱۵۰	حکایت: پند پدر به فرزند
۱۵۰	حکایت: زن سقراط
۱۵۲	نعمت ابتلا
۱۵۳	حکایت: توماس قدیس و گاو پرنده
۱۵۵	فتح دل‌ها
۱۵۵	حکایت
۱۵۶	درمان کزاندیشی
۱۵۷	نقطه‌ی دل
۱۵۹	زندگی راستین
۱۵۹	خطبه‌ی زینب(س) در دربار شام
۱۶۲	علت نخستین
۱۶۲	حکایت: پرسش از نجار
۱۶۴	معرفت ذوقی
۱۶۴	حکایت
۱۶۶	شهرام وجود
۱۶۶	سخن کبیر
۱۷۰	رزق آسمانی

۱۷۰		حکایت: درویش بخارایی و مرد توانگر
۱۷۳		قرارگاه دل
۱۷۳		حکایت: پرسش از امام محمد غزالی
۱۷۴		حکایت: حجاب از خلق یا حجاب از حق؟
۱۷۵		حکایت: مرد پاکدین و دختر میثوی
۱۷۷		لوح و قلم
۱۷۷		هر دوگانه یگانه را ساجد است
۱۷۸		آفرینش لوح و قلم
۱۸۱		گفتارهای نوی
۱۸۱		برتر انسان به دیگر جانوران
۱۸۳		ادبان حجت خدای تعالی اند
۱۸۸		راز عناصر چهارگانه و معنی وضو
۱۹۱		اسرار زبان

دفتر سوم: باغ راستی

۱۹۹		یاد وطن
۲۰۲		روزه
۲۰۶		کردار و گفتار
۲۰۶		حکایت
۲۰۸		اینجا و آنجا
۲۰۹		عفتای حکمت
۲۱۱		اسکندر و مور
۲۱۱		حکایت
۲۱۳		از شنیدن تا دیدن
۲۱۳		حکایت: دیدار شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا و شیخ ابوسعید ابوالخیر
۲۱۵		ریاضت مادری
۲۱۵		حکایت
۲۱۶		حکایت
۲۱۸		فرجام بوزرجمهر
۲۱۸		بدگویی بدخواهان از بوزرجمهر پیش خسرو
۲۱۹		سخن بوزرجمهر با کارآگاهان
۲۲۰		پدرود کردن بوزرجمهر فرزندان را
۲۲۲		نامه‌ی بیست‌پند

۲۲۶	نیایش بوزرجمهر به درگاه یزدان
۲۲۶	گفت و شنید بوزرجمهر با خسرو
۲۲۸	سخن گفتن بوزرجمهر و خسرو درباره‌ی دین
۲۳۱	سخن گفتن خسرو با منادی
۲۳۳	به زندان رفتن بوزرجمهر و سخنان او با خسرو
۲۳۴	پرسش موبد از بوزرجمهر
۲۳۶	به دار کشیدن بوزرجمهر در روز شنبه
۲۳۹	سخن گفتن خسرو با دختر آذرآبادگانی
۲۴۲	پایان داستان

دفتر چهارم: آیندی حسن

۲۴۵	نغمه‌ی یا الله
۲۴۹	جام عشق
۲۵۳	ای رمضان
۲۵۵	علم
۲۵۷	فضیلت وقت‌شناسی
۲۵۷	حکایت: بزاز شیرازی
۲۶۲	غم روزی
۲۶۲	حکایت: دیدار زاهد از شهر لندن
۲۶۶	گناه دیگرپرستی
۲۶۶	حکایت: هر چه جز شرک آن ببخشاید
۲۶۸	شرط سنجش
۲۶۸	حکایت: دربان بلخ
۲۷۰	عاشقی و شمار
۲۷۰	سیوئی بیش فزات
۲۷۱	رحمت بی حساب
۲۷۲	حکایت: کارفرما و مُرد بنایان
۲۷۳	کوه اندوه
۲۷۴	سوختن و ساختن
۲۷۵	جامه جهان
۲۷۶	از نمود تا بود
۲۸۱	شعر و حکمت
۲۸۵	توضیحات

۲۸۷		واژه‌نامه
۲۹۷		شرح نام‌های خاص
۳۲۷		فهرست‌ها
۳۲۹		فهرست آیات قرآنی
۳۳۵		فهرست احادیث و اقوال
۳۳۹		فهرست اعلام
۳۴۶		مشخصات مراجع

www.ketab.ir

مقدمه

«چرا این کتاب را، که کتاب شعر است، «سپهر حکمت» نام کرده‌ای؟ شعر را به حکمت و دانش چه کار؟» این پرسشی است که پراکنده‌دلانِ روزگار ما پرسند. در پاسخ گوئیم که هنر را برای هنر و شعر را برای شعر نمی‌توان خواست:

هیچ کوزه گم کند کوزه شتاب	بهر عین کوزه، نه بر بوی آب؟
هیچ کاسه گر کند کاسه تمام	بهر عین کاسه، نه بهر طعام؟
هیچ خطاطی رسید خط به فن	بهر عین خط، نه بهر خواندن؟
نقش ظاهر بهر نقش غایب است	آن برای غایبی دیگر بیست ^۱

پس مبانی هنر را باید در عالم معنا و در حکمت الهی و دانش اشرافی جست. دانشی که آن را به نیکی و زیبایی کاری نیست، نام دانش را نسزد؛ و هنری که از دانش رسالت روی گردان است، نام هنر را نشاید؛ همچنان که در اندرزنامه‌ی «مینوی خرد»، که از روزگار ساسانیان برجای مانده است، می‌خوانیم:

پرسید دانا از مینوی خرد: از این سه، کدام برتر: نیکی، خرد یا هنر؟
مینوی خرد پاسخ گفت: آن خرد، که با وی نیکی نبود، خردش نشماروان؛
و آن هنر، که با وی خرد نبود، هنرش نباید شمردن.

خدای تعالی «حقیقت» است که باید او را شناخت و «زیبائی» است که باید به او محبت ورزید؛ پس هم‌چنان که روشنی آفتاب پیوسته است به گرمی آفتاب، زیبایی پیوسته است به راستی، و دوستی پیوسته است به شناخت، و هنر پیوسته است به خرد، و سخن پیوسته است به دانش.

^۱ مینوی معنوی، دفتر چهارم، ابیات ۲۸۸۴-۲۸۸۷.

اگر کسی در سخن نوی جوید، «سپهر حکمت» در نگاه او خُرد آید؛ زیرا که آنچه ما در «سپهر حکمت» گفته‌ایم دیگران پیش از ما گفته‌اند و ما در لفظ و معنا پیرویِ راهِ بزرگان کرده‌ایم و قدم در راهِ رفتگان نهاده‌ایم. بسیار کسان باشند که گویند شعر مولانا جلال‌الدین کهن گشته و سخن سنائی و جامی مندرس شده و امروز شعر نو باید خواند و سخن تازه باید گفت. این سخن چنان است که بگویند تابشِ آفتابِ کهن گشته، زیرا که آفتاب از دیرباز بوده است، و ما باید که به تاریک‌خانه اندر شویم و شمعی از خویش بیفروزیم. اینان ندانند که یک پرتوی آفتابِ کهن به از هزار شمع نو که در تاریک‌گاه بیفروزند. شمع ایشان را بادکی بمیراند و آفتاب را هزار طوفان نو - پیر و زبر نکند.

ترازوی سخن راستی است، نه نوی. راستِ کهن به از دروغ نو. راستی را نیز نباید در آنچه آیان و روان است جست. راستی از است که از آغاز بوده است و امروز هست و فردا بخواد بود. پس سخنی که این راستی فراتر از زمان را بنمایاند، در روز برورن است و هیچگاه کهن نگردد. همچنان که یکی از روشن‌اخترانِ سپهر حکمت در روزگار ما گفته است: «چیزِ منگام‌تر نیست از بی‌هنگام»^۱ و بی‌هنگام بی‌جای همان است که فراتر از جای و هنگام است و روشنی‌بخشِ «مهی جاها» و هنگام‌هاست.

سینا عزت‌منش

۲۹ آذرماه ۱۳۹۳

پیشگفتار

«سپهر حکمت» مشتمل است بر چهار دفتر:

- (۱) چشم یقین: بر وزن «خسرو و شیرین» حکیم نظامی گنجوی.
- (۲) دریای معانی: بر وزن «مثنوی معنوی» مولانا جلال‌الدین بلخی.
- (۳) باغ راستی: وزن «شاهنامه» حکیم ابوالقاسم فردوسی.
- (۴) آینه‌ی حسن: وزن «هفت پیکر» نظامی و دیگر اوزان شعری.

هر یک از این دفترها مجموعه‌ای است از مثنوی‌هایی که هر یک جداگانه سروده شده‌اند و تنها به سبب اشتراک در وزن شعری در یک دفتر قرار گرفته‌اند؛ به همین سبب، خواننده ملزم نیست اشعار را به ترتیبی که در این کتاب آمده‌اند بخواند.

در مواردی که بیت یا مصرعی به آیه‌ای از آیات قرآن کریم یا به یکی از احادیث نبوی و ولوی اشاره داشت، اشاره‌ی مورد نظر را در پانویس توضیح داده‌ام. متن عربی این قرآن را نیاوردم تا نگاه‌داری از کتاب بیش از اندازه حساس نشود و احترام وحی الهی حفظ شود. برای ترجمه‌ی فاسی آیات، ترجمه‌ی گران سنگ ابوالفضل رشیدالدین میبدی در تفسیر «کشف الأسرار و عده الأبرار» را پایه قرار داده‌ام. البته برخی کلمات را پس و پیش یا جایگزین کرده‌ام تا فهم معنای آیه برای خواننده‌ی امروزی آسان‌تر باشد. در پایان کتاب نیز توضیحاتی تحت عنوان‌های «واژه‌نامه» و «شرح نام‌های خاص» آمده است.

این پیشگفتار را با تشکر از خانم مهشید علوی طوسی و دیگر بزرگواری که در تصحیح و چاپ این کتاب مشوق و یاریگر بنده بودند به پایان می‌برم. امیدوارم این کتاب مقبول نظر خوانندگان گرامی قرار گیرد.

و ما توفیقی الا بالله العلیّ العظیم

سینا عزت منش

آذرماه ۱۳۹۳